

سنجش انتقادی نحوه مواجهه مترجمان با تضمین‌های نحوی در قرآن (مطالعه موردی: ترجمه‌های عبری)

رویا عرب‌علیدوستی^{۱*}، جلیل پروین^۲، سهیل کثیری نژاد^۳

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث شهر ری، تهران، ایران

۲- استادیار گروه معارف دانشگاه قرآن و حدیث شهر ری، تهران، ایران

۳- کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد مرکز، تهران، ایران

دریافت: ۹۸/۴/۲۴

پذیرش: ۹۸/۶/۲۰

چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در روند ترجمه قرآن کریم به زبان‌های دیگر، رعایت اسالیب نحوی مختلف و انتقال صحیح آن به زبان مقصد است. تضمین، یکی از همین اسالیب نحوی است. پیاده کردن این اسلوب در آیات قرآنی همواره با اختلاف نظر بین علمای نحو، مفسران و مترجمان همراه بوده است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به نقد نحوه مواجهه مترجمان زبان عبری با اسلوب تضمین در قرآن کریم پرداخته است. ترجمه صحیح تضمین، از این حیث اهمیت دارد که انتخاب واژه مضمن، گاهی بر حوزه استخراج و تبیین حکم فقهی، عقاید و لطافت در تبیین واژگان آیات کریمه، تأثیرگذار است. ترجمه‌های عبری قرآن کریم عمدتاً فاقد توجه کافی به اسلوب تضمین هستند. اگرچه در مجموع، مسلمانان در این ترجمه‌ها موفق‌تر بوده‌اند؛ اما مانند مترجمان غیرمسلمان، با بی‌توجهی به ترجمه صحیح این اسلوب، گاهی بیانی خلاف مبانی شریعت و احکام اسلامی داشته‌اند. از علل اشتباهات ترجمه‌های عبری در مورد تضمین، ناتوانی مترجم در انتقال صحیح این اسلوب و بی‌اطلاعی از فرهنگ مردم زمان نزول است.

واژگان کلیدی: تضمین نحوی، ترجمه قرآن کریم، زبان عبری

۱- مقدمه

ترجمه کتاب آسمانی دین اسلام که دعوتی جهانی است، ضرورتی انکارناپذیر است. یکی از چالش‌ها در روند ترجمه قرآن کریم به زبان‌های دیگر، رعایت أسالیب نحوی دستور زبان عربی و انتقال صحیح آن به زبان مقصد است. زمانی که اسلوب نحو عربی نادیده گرفته شود و یا زبان مقصد فاقد قاعده مشابه باشد، ترجمه آیات کریمه دشوار خواهد بود. از علل اختلاف در احکام فرعی فقهی و بعضی توجیه‌ها در تبیین آیات کریمه، نحوه بکارگیری أسالیب نحوی است که زمخشری نیز به آن اشاره دارد: «ویرون الکلام فی معظم أبواب أصول الفقه ومسائلها مبنیاً علی علم الإعراب، والتفاسیر مشحوناً بالروایات عن سیبویه والأخفش والکسائی والفراء وغيرهم من التحویین البصریین والکوفیین، والاستظهار فی مآخذ النصوص بأقوالیهم، والتشبیث بأهداب تأویلیهم...» (عوض، سامی و مطره‌جی، ۲۰۰۷). چه بسا شخص آیه‌ای را بخواند و به سبب جهل در قواعد نحوی به گونه‌ای در آن بماند که هلاک گردد (سیوطی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵۷۰).

۱-۱- بیان مسئله

تضمین، یکی از أسالیب نحوی است که در تفسیر و ترجمه آیات کریمه به زبان عربی و غیر آن، در همه موارد رعایت نشده و در تعیین آیات حاوی تضمین بین علما اتفاق نظر وجود ندارد. ترجمه صحیح تضمین از این حیث اهمیت دارد که انتخاب واژه مضمن، گاهی بر حوزه استخراج و تبیین احکام فقهی، عقاید و لطافت در تبیین واژگان آیات کریمه تأثیر گذار است. بی‌توجهی به این مهم همواره موجب بروز اشتباهاتی در ترجمه و تبیین مفاهیم قرآنی گردیده است.

مترجمان غیرمسلمان قرآن کریم به زبان عبری، با انگیزه‌های مختلفی به این مهم مبادرت ورزیده‌اند؛ اما مسئله پژوهش حاضر برای پرداختن به تضمین در ترجمه‌های عبری منتخب، بررسی نحوه مواجهه آنان با اسلوب تضمین از نظر نحوی و تأثیر آن بر مفهوم آیات است.

۱-۲- پیشینه پژوهش

کتاب‌های مغنی‌اللبیب، مختصر‌المعانی، اسالیب‌المعانی فی القرآن، النحو‌الوافی، موسوعة‌النحو، به اسلوب تضمین اشاره دارند. از پیشینیان، ابن‌جنی، اولین کسی است که به اسلوب تضمین اشاره کرده است (حاجی‌خانی و پاشائی، ۱۳۹۴). درباره تضمین، مقالات متعددی نیز، به رشته تحریر درآمده است، مانند:

۱- «نگاهی به مسأله تضمین در زبان عربی» از احمد پاشا زانوس

۲- «تضمین بیانی و اغراض بلاغی آن در قرآن» از علیرضا باقر

۳- «تضمین و نقش آن در ترجمه قرآن کریم» نوشته شفیق آملی با معرفی تضمین و ذکر شاهد مثال‌هایی از کار مترجمان در آیات منتخب

۴- نقدی از استاد ولی، بر مقاله «تضمین و نقش آن در ترجمه قرآن کریم»

نقد‌های وارد از سوی استاد ولی، بر مقاله شفیق آملی در تبیین مفهوم تضمین مفید است (استاد ولی، ۱۳۷۴).

۵- «روش‌شناسی ترجمه تضمین نحوی در برخی ترجمه‌های معاصر»، مقاله‌ای از علی حاجی‌خانی و توحید پاشایی، با بررسی تضمین در ۵ ترجمه رایج از قرآن کریم (الهی قمشه‌ای، آیتی، معزی، فولادوند، صفارزاده)

این مقاله نتایجی چون جایز بودن استعمال لفظ در بیش از یک معنا و هم‌زمانی وجود دو معنا برای یک لفظ در تضمین و حقیقت بودن آن را در بر دارد (حاجی‌خانی و پاشائی، ۱۳۹۴).

۶- «نقش تضمین در ترجمه و تفسیر قرآن کریم» از سهیلا دوست بامری که مدعی است، ترجمه‌ها و تفاسیر موجود، موضوع تضمین و نقش آن را در کار خود لحاظ نکرده و برداشت نادرستی در تبیین آیات ارائه داده‌اند (دوست بامری و خاکپور، ۱۳۹۳).

۷- «کارکرد تضمین افعال در تفسیر آیات قرآن کریم با تأکید بر آراء ابن‌عاشور» از زاهدی‌فر

با بررسی تضمین در افعال در آیات کریمه و تفاسیر مختلف از مفسران شیعه و سنی در آیات منتخب، به این نتیجه رسیده است که مفسران به یک اندازه به اسلوب تضمین توجه نکرده‌اند و در میان متأخرین، ابن عاشور، صاحب تفسیر التحریر والتنویر به طور قابل ملاحظه‌ای از این اسلوب استفاده نموده و سطح ادبی-بلاغی تفسیر خویش را بالا برده است (زاهدی‌فر و موسوی شجری، ۱۳۹۵).

۸- «تضمین نحوی و اقسام آن در قرآن»، با نگارش محمد هادی زبرجد و بتول علوی

۹- «تضمین و مصادیق آن در سوره یاسین»، از محمد فقهی

مقالاتی مانند: «التضمین أو نیابة حرف مكان آخر» از عمر لطیفی، «التضمین» از صلاح الدین الزعبلوی، «التضمین فی القرآن الکریم قراءة جدیدة و دراسة تطبیقیة»، با نگارش عبدالجبار فتحي زیدان، «ظاهرة التضمین فی القرآن» از خلیل پروینی و جمیل جعفری و... نیز درمورد تضمین، به زبان عربی به نگارش درآمده‌اند.

پایان‌نامه‌هایی چون «تضمین نحوی در قرآن کریم و تأثیر آن بر ترجمه»، کاری از فاطمه عبدی، «تضمین بیانی در قرآن کریم» از حمیدرضا مستفید و طاهره کهندانی و «تضمین نحوی در قرآن کریم و بازتاب آن در ترجمه‌های رایج» از رویا عرب‌علیدوستی نیز، در این عرصه نگارش یافته‌اند. این پایان‌نامه‌ها ترجمه و تفسیر آیاتی از قرآن کریم که حاوی اسلوب تضمین هستند را مورد بررسی قرار داده و سپس به تفاوت نتیجه کار مفسران و مترجمان و ارزیابی نتایج کار آن‌ها پرداخته‌اند.

تنها مقاله موجود با عنوان «ترجمه عبری قرآن کریم (اهداف سیاسی و دینی)» از احمد الشحات هیکل، به بررسی اهداف مترجمان غیرمسلمان در این عرصه پرداخته که به حوزه تحقیق حاضر مرتبط نیست. این تحقیق، اولین گام برای پرداختن به مسئله تضمین در ترجمه‌های عبری قرآن کریم است.

۳-۱- سوالات تحقیق

سوالات مطرح در این تحقیق عبارتند از:

در ترجمه‌های قرآن کریم به زبان عبری، مترجمان یهود (رکندورف، روبین، ریولین) و مسلمان (نمر، عدوی، گروه هندی) تا چه اندازه به اسلوب تضمین نحوی پای‌بند بوده‌اند تا ترجمه دچار نارسایی و نقص نگردد؟ همچنین این پژوهش در صدد پاسخیابی این سوال فرعی نیز بوده است که نحوه مواجهه مترجمان مسلمان (نمر، عدوی، گروه هندی) با ترجمه تضمین نحوی در آیات مرتبط با احکام و عقاید چگونه است؟

۲- ترجمه قرآن کریم به زبان عبری

در سال ۱۵۴۷ میلادی، قدیمی‌ترین تلاش برای ترجمه قرآن کریم به زبان عبری، از ترجمه ایتالیایی آن توسط یعقوب یسرائیل هالوی، خاخام یهودی، صورت گرفت. این ترجمه به چاپ نرسید و به صورت نسخه خطی در موزه لندن موجود است. سال ۱۸۵۷ میلادی، در آلمان، هرمان رکندورف ترجمه‌ای از متن عبری قرآن کریم انجام داد. سال ۱۹۴۶ میلادی، یوئیل ریولین، قرآن را ترجمه کرد. سال ۱۹۷۱ میلادی، آهارون بن شیمش، ترجمه دیگری از روی نسخه عبری قرآن کریم به عبری ارائه داد. در این ترجمه آزاد، تقریباً هر پنج آیه با هم ترجمه شده است. سال ۲۰۰۵ میلادی، اوری روبین، ترجمه خود را از این کتاب مقدس به چاپ رساند. مسلمانان نیز چهار ترجمه از قرآن کریم به عبری منتشر کرده‌اند:

۱- احمد حماد، از دانشگاه عین شمس مصر با همکاری گروهی از متخصصان زبان عبری (۲۰۰۴)

۲- صبحی عدوی (فلسطینی) (۲۰۱۵)

۳- نمر در مرکز ترجمه قرآن کریم ملک فهد در مدینه (۲۰۱۹)

۴- گروهی از مترجمان (هند) (۲۰۱۹)

هشت ترجمه عبری از قرآن کریم به چاپ رسیده است که شش ترجمه در دسترس از میان آن‌ها، عبارتند از: ترجمه عبری قرآن کریم توسط نمر، روبین، رکندورف، ریولین، گروهی از مترجمین و صبحی علی عدوی.

ترجمه نمر: این ترجمه در مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف، توسط اسعد نمر، در مدینه انجام شده و دارای ۷۰۹ صفحه به صورت رنگی است. مترجم مقدمه‌ای در ۱۱ صفحه به آن افزوده است. صفحه ۶۹۵، جدولی را نمایش می‌دهد که شامل حروف عربی با معادل عبری آن است. صفحه ۶۹۶، حاوی اسامی پیامبران به دو زبان عربی و عبری است که در جدولی در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. در صفحه ۶۹۷ تا ۷۰۵، ضمیمه‌ای قرار دارد که صفحه کلید عبارات منتخب است. فهرست اسامی سوره‌ها با مشخصه مکی یا مدنی بودن در صفحه ۷۰۶ کتاب قرار دارد.

ترجمه اوری روین: این ترجمه به وسیله دانشگاه تل‌آویو در ۶۰۰ صفحه با ترجمه کامل ۱۱۴ سوره قرآن کریم به چاپ رسیده است. این کتاب دارای دو ضمیمه است. در ضمیمه ۴ (آلف)، صفحه ۵۴۶، به اعتقاد مسلمانان نسبت به قرآن و سپس به مکی و مدنی بودن هریک از سور اشاره شده است. ضمیمه ۵ (بت)، صفحه ۵۵۳، محتوای یک کلید واژه یا نمایه برای برخی اصطلاحات موجود در قرآن است. از صفحه ۵۵۶ تا آخر کتاب درباره برخی از سوره‌ها توضیحات کوتاهی ذکر شده است. این ترجمه به زبان عبری نوین روان بوده و در میان خوانندگان، از سایر ترجمه‌ها، از مقبولیت بیش‌تری برخوردار است. وی، گاهی از اصل نام‌هایی مثل «حج»، در ترجمه خود استفاده کرده است.

ترجمه هرمان رکندورف: ترجمه رکندورف، دارای مقدمه‌ای مشتمل بر هشت قسمت است که شامل توضیحاتی درباره، وضعیت سرزمین عربستان، قبل از بعثت پیامبر اسلام (ص)، سرگذشت پیامبر اسلام (ص)، معرفی قرآن، آنچه پیامبر اسلام (ص) (به زعم مترجم)، از باورها و کتاب‌های یهودیان گرد آورده است، همراه با مثال از آیاتی به عنوان شاهد، آنچه پیامبر اسلام (ص) (به زعم مترجم) از باورهای مسیحیان گردآورده، آنچه بت‌پرستان انجام می‌دهند، سنت یا قانون شفاهی اسماعیلیان و احکام مهم در دین پیامبر اسلام (ص) است.

وی، از زبان عبری باستانی و اصطلاحات کتاب مقدس، در این ترجمه بهره جسته و عباراتی از قرآن کریم را با عباراتی مشابه در عهد عتیق جایگزین کرده است. تفاوت ترجمه

رکندورف با ترجمه‌های دیگر، علاوه بر نزدیک بودن واژه‌هایش به زبان عبری باستانی، توضیحاتی است که مترجم در ترجمه اضافه کرده است. در موارد زیادی این توضیحات رنگ و بوی تمسخر و انتقاد می‌دهند. این ترجمه در شماره گذاری آیات نیز با قرآن‌های رایج متفاوت است.

ترجمه ریولین: این ترجمه، تحت اللفظی و همراه توضیحاتی مانند پاورقی در ۳۸۳۱ شماره در پایان کتاب است. ترتیب زمانی نزول آیات، از مسائلی است که مترجم به آن پرداخته است. انگیزه وی برای ترجمه قرآن کریم این بوده است که باید دریافت، تعالیم این کتاب آسمانی چیست که اقوام پراکنده را به امتی واحد تبدیل کرد و آن‌ها را برای قرن‌ها متحد ساخت. او مدعی است با تحقیق و مطالعه دقیق به ترجمه این کتاب مقدس پرداخته است.

ترجمه گروهی از مترجمین: این ترجمه در ۶۲۲ صفحه به وسیله ۷ نفر از مسلمانان هند در دهلی‌نو انجام شده است. اسامی عربی سوره‌ها و ترجمه آن‌ها به عبری، در فهرست نگارش یافته است. مقدمه‌ای شش قسمتی در ابتدای کتاب آمده که شامل مواردی چون، مشخصات قرآن، منشأ نزول، حفظ آن از تحریف به وسیله خداوند و این که چون کتاب هدایت است، باید به زبان‌های مختلف ترجمه شود، می‌باشد.

ترجمه صبحی علی عدوی: ترجمه عدوی، برخلاف ترجمه‌های دیگر، با ظاهری کاملاً شبیه قرآن‌های عربی در ۵۲۷ صفحه در کشور اردن به وسیله مؤسسه بینات به چاپ رسیده است. عدوی، در مقدمه‌ای سه صفحه‌ای، به توضیحی کوتاه درباره قرآن و مشخصات ترجمه‌اش پرداخته و ادعا دارد، اولین مسلمانی است که به ترجمه کامل قرآن کریم با حفظ معنا و مفهوم حقیقی آن به زبان عبری پرداخته است. این ترجمه مقدمه‌ای به قلم پروفسور زید عمر را در تأیید محتوا دربردارد.

۳- تضمین

۳-۱- معنای لغوی

ضمن، به معنی درد، بیماری و در معنای دوم، کفیل است (ازهری، ۱۹۹۰، ج ۱۲: ۴۹؛ ابن منظور، ۱۹۶۸، ج ۱۳: ۲۵۷ و ۲۶۰). هر چیزی که چیز دیگری، در آن احراز شود، در واقع دربرگیرنده و پوشاننده آن است. مانند قبر که میت را در برمی گیرد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۵۰).

۳-۲- معنای اصطلاحی تضمین

تضمین، اصطلاحی است که در علوم ادبی مختلف با معانی متفاوت به کار می‌رود. در علم بدیع، تضمین، هنگامی روی می‌دهد که گوینده برای تأکید معنی آنچه گفته است از کلام یا شعر دیگری، در کلام خود استفاده کند. تضمین در علم عروض، به این معنا است که قافیه، آخرین کلمه بیت، به صدر بیت پس از خود متعلق باشد و معنی بیت نخست در بیت بعدی تکمیل شود (ابن اثیر، ۱۳۷۵: ۲۳۲). در علم بیان، تضمین، به دست آوردن معنا و مفهومی است که لفظ، شامل آن است؛ بدون آن که در عبارت، مستقیماً به وسیله اسم یا صفت ذکر از آن شده باشد (رمانی، ۱۳۸۲: ۷۴).

اما مطمح نظر در این تحقیق، تضمین نحوی است. در علم نحو، اسلوب تضمین با دو نام وجود دارد:

تضمین نحوی و تضمین بیانی.

تضمین نحوی، إشراب معنی لفظ دیگری در لفظ و عطا کردن حکم آن، بر لفظ متضمن است؛ تا کلمه‌ای واحد، رساننده معنای دو کلمه باشد (ابن هشام، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۸۰؛ تفتازانی، ۱۳۸۲: ۱۳۰؛ صبان، بی‌تا، ج ۲: ۹۵). إشراب، در اصطلاح به معنی اختلاط دو رنگ، به گونه‌ای است که گویی یکی از دو رنگ دیگری را نوشیده است و فلانی محبت دیگری را نوشیده است؛ یعنی محبت او را با قلب خود آمیخته است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶: ۲۵۸).

جوهری، ۱۹۹۰، ج ۱: ۱۵۴؛ ابن‌منظور، ۱۹۶۸، ج ۱: ۴۹۱). اختلاط دو لفظ نامترادف، از نظر معنا، به شکل غیرقابل تفکیک، إشراب لفظی در لفظ دیگر است.

تضمین نحوی در فعل، اسم و حرف به‌کار می‌رود. در مورد تضمین حروف، بین نحوین مناقشاتی وجود دارد. آنچه رواج بیش‌تری در کاربرد حروف دارد، نیابت بعضی از حروف از یکدیگر است. بصریون به نیابت حروف از هم معتقد نیستند (لطیفی، عمر، ۱۳۸۲). غالب علمای مکتب کوفه و نحوین ظاهرگرا، معتقدند در تضمین، یک حرف به جای حرف دیگر نشسته و متضمن معنای آن شده است. بنابراین، تغییر معنا در حرف، رخ داده است (باقر، علیرضا، ۱۳۸۶).

آنچه کوفیان با کلمه تضمین، عنوان کرده‌اند، در واقع نیابت حروف از یکدیگر است و تفاوت اصلی باب نیابت با تضمین، در این است که در نیابت، هر حرفی همواره رساننده یک معنا است (حسن، بی‌تا، ج ۲: ۵۳۷)، در حالی که تضمین، دائماً به دو معنا همراه با هم توجه دارد (ابن‌هشام، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۱۹). نظری نقادانه نیز، می‌گوید: تضمین، قولی ساختگی بر اساس تقلید از نحوین متقدم و برای حل مشکلات نحوی است. بنابراین عاملی برای تحریف معنا و مخالف اعجاز لغوی قرآن کریم است (فتحی زیدان، عبدالجبار، ۲۰۱۲).

تضمین بیانی در علم نحو: بیان فعل متروک، به صورت حال از فاعل مذکور را تضمین بیانی گویند (حسن، بی‌تا، ج ۲: ۵۲۵). برخی معتقدند تضمین بیانی، همان تضمین نحوی است و سعدالدین تفتازانی به اشتباه تضمین در علم نحو را به بیانی و نحوی تقسیم کرده است (صبان، بی‌تا، ج ۲: ۹۵).

اگرچه قاعده تضمین به شکلی که در عربی تعریف می‌شود، در زبان عبری کاربرد ندارد؛ اما فعل‌ها، حرف یا حروف اضافه خاص خود را دارند که معمولاً برای متعدی کردن فعل به کار می‌روند و گاهی هرکدام از آن‌ها همراه با فعل، معنی متفاوتی را ارائه می‌دهند (Glinert، ۲۰۰۵: ۶۰).

۳-۳- روش ترجمه و تبیین صحیح تضمین

از آنجا که برای تبیین و معنا کردن فعل تضمین شده، دو روش وجود دارد، دو نام برای تضمین نحوی وجود دارد که در حقیقت تفاوت ماهوی ندارند. وقتی برای تبیین افعال در تضمین، از یک حال مقدر استفاده شود، فعل متروک را به شکل حال برای فاعل مذکور آورده آن را تضمین بیانی نامیده‌اند؛ حال این که بهتر بود تضمین نحوی نام می‌گرفت تا تقدیر گرفتن یک حال برای آن از اسمش تداعی شود. تضمین نحوی در علم نحو، تضمینی است که در تبیین فعل مضمن و مضمن، از معنای فعلی استفاده می‌شود که رساننده معنای دو فعل مورد نظر باشد (حسن، بی‌تا، ج ۲: ۵۲۸).

توجه به این نکته ضروری است که ترجمه، به شکل حال برای فعل مذکور یا محذوف، متغیر است و بسته به جایگاه کلام، این عمل صورت می‌گیرد (همان: ۵۳۰). به عنوان بهترین روش در زبان‌های غیرعربی، برای ترجمه تضمین می‌توان به روش معنایی و آزاد اشاره کرد (حاجی‌خانی و پاشائی، ۱۳۹۴).

۳-۴- آسیب استفاده نادرست از اسلوب تضمین

برخلاف غرض اصلی استفاده از تضمین، گاهی مترجمان و مفسران با سرایت دادن اسلوب تضمین در جایگاهی نادرست، ترجمه و تفسیری روان برای آیه بیان نکرده و یا بر مفهوم مسائل فقهی و اعتقادی آسیب وارد کرده‌اند. مثالی برای مورد اول:

﴿حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ (اعراف / ۱۰۵)

اکثر مفسران، بر این عقیده‌اند که در این آیه شریفه، معنی «حریص» در «حقیق»، تضمین شده است، تا برساند که او (ص) بر گفتن حق حریص است (زمخشری، ۱۴۲۳: ۳۷۷؛ بیضاوی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۵۶۲؛ سیوطی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۰۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۸: ۲۱۲؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۹: ۳۸؛ زرکشی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۳۸؛ عکبری، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۸۱). ابن‌عطیه و طبرسی، معتقد به ضعف این قول هستند (ابن‌عطیه، ۱۴۳۶، ج ۴: ۳۴۳؛ طبرسی، ۱۴۳۱، ج ۴: ۴۲۷).

در تضمین، معنای هر دو فعل مضمَّن و مضمَّن با هم به کار گرفته می‌شوند؛ اما در این آیه، حقیق از ریشه حق، به معنی نقیض باطل است. در لفظ حرص، هیچ دلالتی بر این کلمه وجود ندارد. پس با دو دلالت کاملاً متفاوت نمی‌توان اسلوب تضمین را بین دو کلمه، جاری ساخت (فتحی، عبدالجبار، ۲۰۱۲). علاوه بر این، طبق گفته فراهیدی، حقیق می‌تواند با «علی» متعدی شود (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۶)، در نتیجه، نه «علی» به معنی دیگری در این آیه به کار رفته و نه حرفی است که «حقیق» با آن متعدی نشود و نشان دهنده تضمین معنای فعل دیگری در آیه باشد. واژه «حقیق» نیز، با حریص، دلالت مشترک و نزدیکی ندارد تا بتواند متضمن معنای آن باشد. نتیجه این که در این آیه تضمینی صورت نگرفته است (فتحی، ۲۰۱۲).

از آنجا که مورد دوم از اهمیت زیادی برخوردار است، مثال آن در ترجمه‌های عبری نیز بررسی شده است:

﴿فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾ (ص/۳۲)

مفسران و مترجمان، سعی کرده‌اند به وسیله این روایات و گاهی اجتهاد شخصی، معنایی که با مبانی دینی مغایرت نداشته باشد، برای آن بیابند. تفسیرها و ترجمه‌ها، در این آیه شریفه، اغلب به عصمت انبیاء صدمه می‌زند. در مورد به کار رفتن تضمین در این آیه، اختلاف نظر زیاد است. آن‌ها که با تضمین در آیه موافقت، چنین استدلال کرده‌اند:

«أَحْبَبْتُ»، مضمن معنی فعل متعدی به «عَنْ» است، مثل این که گفته شود: اُنبِت حب الخیر عن ذکر ربی، أو جعلت حب الخیر مجزياً أو مغنیاً عن ذکر ربی (زمخشری، ۱۴۲۳: ۹۲۵). أُحِبَّت، مضمن معنی ایثار و «عَنْ»، به معنی «علی» آمده است (المیزان، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۲۰۳). واژه «خیر»، در این آیه، ثروت و اسب معنا شده و «إِحْبَاب» مضمن معنای «ایثار» یا «إنابة» است (حلبی، ۱۴۰۶، ج ۹: ۳۷۶؛ آلوسی، ۱۴۲۶، ج ۱۲: ۲۴۸-۲۴۶). مفهوم آیه همراه با فعل تضمین شده، موجب وهن بر عصمت انبیاء است؛ زیرا در این صورت سلیمان نبی

(ع)، حب خیر را جایگزین و نایب ذکرالله نموده است. مخالفین، نیازی به رعایت تضمین ندیده و معتقدند:

سلیمان (ع)، به سبب اطاعت امر خداوند در تربیت اسبان برای محاربه با دشمنان می‌کوشید (شریف مرتضی، ۱۳۸۰: ۱۴۹). فخررازی نیز بعد از بررسی و رد احتمال تضمین معتقد است که ﴿عَنْ ذِكْرِ رَبِّي﴾ یعنی این محبت شدید، حاصل از ذکر و امر خداوند است، نه هوای نفس و ﴿حَتَّى تَوَارِثَ بِالْحِجَابِ﴾ نیز، اشاره به محجوب شدن اسب‌ها از دید او دارد (رازی، ۱۴۳۳: ج ۱۳: ۴۶۲). محمدبن بحر اصفهانی معتقد است، ﴿ذِكْرِ رَبِّي﴾ یعنی تورات و منظور این است که تربیت و استفاده از اسب در تورات ممدوح است، بنابراین من آن‌ها را (به امر خداوند) دوست دارم و ﴿حَتَّى تَوَارِثَ بِالْحِجَابِ﴾، اشاره به اسب دارد، نه به خورشید (اصفهانی، ۱۳۸۸: ۴۹۹). بنابراین، «عن» در آیه، به معنی اصلی خود (مجاوزت) به کار رفته و معنای درست، بی‌نیاز از تضمین است.

ترجمه‌های عبری:

الف - نمر: ואמר, אכן אהבתי הטוב (הסוסים) פתוצאה מאהבתי לזכר רבוני עד אשר הסתתרה השמש במדבר. و گفت: به راستی عشق من به این خیر (اسب‌ها) در نتیجه عشقم به ذکر پروردگارم است، تا زمانی که خورشید پایین برود.

ب - روبین: אמר, מרב אהבתי לעשר לא הזכרתי את נשם אלה, והנה כבר נעלמה השמש מעבר לפגוד. گفت: از عشق زیادم به ثروت، نام خدا را ذکر نکردم و اکنون خورشید غروب کرده است.

ج - رکن‌دورف: (ל)בהגש לפניו סוסיו הקלים לעת ערב! (לא) ויאמר: הן פחרתי בחיי החיל מזרון ד' עד עת ערב. پیش روی او اسب‌هایش تا عصر تاختند و گفت: آن‌ها را در زندگی این دنیا از یاد خدا تا هنگام عصر انتخاب کرده بودم.

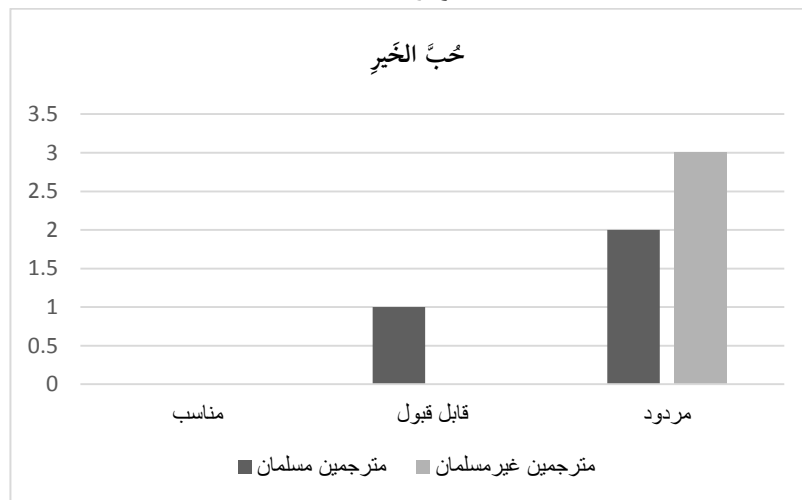
- د- ریلین: "וְאָמַר: 'אֲכֹן אֶהְבֵּתִי אֶהְבֵּת הַטּוֹב יָתֵר עַל יֹכֵר אֶלֹּהֵי עַד אֲשֶׁר הִסְתַּתֶּרָה (הַשְׁמַשׁ) בְּמִסְךְ.' " و گفت: به راستی عشق من به این خیر بیش‌تر از عشق به یاد خدا بود تا این که (خورشید) از صحنه پنهان شد.
- ه- گروهی از مترجمین: הוא אמר: "אכן, הנחתי את אהבת הדברים מעל זכר ריבוני, עד אשר הסתתרה השמש מאחורי חוצץ". او گفت: "به راستی عشق این چیزها را بالاتر از یاد پروردگارم قرار دادم تا خورشید غروب کرد".
- و- عدوی: אמר: "הנה העדפתי את אהבה הסוסים על זכר רבוני, עד אשר הסתתרה מאחורי המחצה". گفت: من عشق به اسب‌ها را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا این که پشت مانعی پنهان شدند.

نقد و بررسی ترجمه‌ها:

اغلب مفسران و مترجمان، اولاً، به سلیمان نبی (ع) نسبت ترک نماز، غفلت از یاد خداوند و عدم توبه از این اعمال را داده‌اند. ثانیاً، واژه‌های نامناسبی را برای جایگزینی عبارات قرآنی انتخاب کرده‌اند. این خطا به ترجمه‌های عبری نیز راه یافته است. در تمامی ترجمه‌ها کلماتی مانند عشق بیش‌تر (אַהְבֵּת הַטּוֹב יָתֵר) یا (הַעֲדַפְתִּי) ترجیح دادن (שׁוּשׁן، ۱۹۷۹: ۱۸۸۰) ثروت دنیا بر یاد خداوند به سلیمان نبی (ع) نسبت داده شده است، مگر ترجمه نمر که از این آسیب به دور و نقص آن در افزودن کلمه خورشید است. ترجمه مناسب چنین خواهد بود:

وَأَمَّا، مَلَأَتِي أَتْ لَبِي بَأَهَبَتِ السُّوسِ لَظِيَّتْ لَأَدْ بِي، (هوَ الْبَيْتُ بَهُمْ) عَد
نְהִסְתַּתֶּרָה מִמֶּנּוּ گفت: من قلبم را برای اطاعت از پروردگارم لبریز از محبت این اسبان کردم، (او به آن‌ها نگاه می‌کرد) تا از دید او پنهان شدند.

نمودار ۳-۴-۱



۴- تضمین در ترجمه‌های عبری قرآن کریم

علمای نحو، در تعیین وجود تضمین در آیات کریمه و مشخص نمودن این آیات، اختلاف نظر دارند. این مسئله سبب می‌شود، نتوان آمار دقیقی از تعداد این آیات ارائه کرد. خصوصاً آن‌جا که آیه شریفه در هر دو حالت با رعایت تضمین و بدون رعایت آن مفهوم درستی را منتقل می‌کند.

این نوشتار، با انتخاب آیاتی از قرآن کریم که برخی از نحویون و مفسران قائل به وجود تضمین در آن‌ها هستند، به بررسی ترجمه‌های عبری می‌پردازد و در نهایت نمودار عملکرد مترجمان را از جهت میزان موفقیت در رعایت ترجمه تضمین، ارائه می‌نماید. برای نشان دادن تأثیر تضمین بر آراء فقهی، آیات بقره/۲۳۵ و نساء/۲، تأثیر تضمین در تبیین مسئله فقهی، آیات بقره/۲۲۶ و نور/۳۱ و برای تبیین مفهوم واضح از آیات، آیات بقره/۱۴، آل عمران/۵۲، ۱۱۸، فصلت/۶ و صف/۱۴ انتخاب شده‌اند.

۱- ﴿وَلَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَلِيمٌ﴾ (بقره/۲۳۵)

گاهی فعل منتخب در تضمین، موجب پدید آمدن حکمی فقهی می‌شود. برای مثال مفسرانی که قائل به تضمین در این آیه هستند، دو فعل را در نظر داشته‌اند که دو حکم فقهی مختلف را پدید آورده است. «لَا تَعْرِضُوا»، از عزم به معنای اراده کردن و تصمیم گرفتن است. فعل عزم، همیشه با علی، متعدی می‌شود که در این جمله وجود ندارد. لذا بعضی آن را متضمن معنای «لَا تَنْوُوا»، دانسته‌اند که بدون «علی»، متعدی می‌شود. اشراب «لا تنووا»، حتی نیت بدون اقدام را جایز نمی‌داند؛ در حالی که صدر آیه، عقد نکاح با زن مطلقه را منوط به تمام شدن عده نموده و تصمیم گرفتن به ازدواج با آن زن را حتی در حال عده، حرام نمی‌شمارد؛ بلکه اقدام به ازدواج حرام است و اشراب فعلی مانند «لا تعقدوا» یعنی منع از عقد نکاح با صدر آیه تناسب دارد و معنای مناسب را القا می‌کند (حلبی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۸۵؛ ابن عطیه، ۱۴۳۶، ج ۲: ۹۲؛ آلوسی، ۱۴۲۶، ج ۱: ۷۴۹).

ترجمه‌های عبری:

الف - نمر: וְאֵל תְּחַלִּיטוּ לְבַצֵּעַ אֶת קְנִשֶּׁר הַנְּשׂוּאִין אֲלֵא כְעֶבֶר הַזְּמַן הַקָּבוֹעַ לְהַמְתִּידָהּ

و برای پیوند ازدواج تا زمان انتظار معین شده تصمیم نگیرید.

ب - روبین: וְאֵל לָכֶם לְהַחֲלִיט לְבֹא בְּבְרִית הַנְּשׂוּאִין בְּטָרָם יְפוּג פְּרָק הַזְּמַן בְּמִצְוַת הַסֵּפֶר، וְשָׁמָּה נִבְּיִים תְּסַמְּכִים בְּיָמֵי הַזְּמַן הַקָּבוֹעַ חֹק מְעִין שֶׁהָיָה בְּכָתוּב.

ج - رکندورف: (רל"ד) אֲךְ אֵל תִּקְחוּן עַד מְלֵאֵת הָעֵת، אֲמָ (אֲנֵהָ) נִגְרִיד תָּא כָּמֵל שֶׁדֵּן זְמָן.

د - ریولین: וְלֹא תִּקְרְתוּ אֶת בְּרִית הַנֶּשֶׁה וְאֵין לִפְנֵי מֶלֶךְ אֶת הַיָּמִים בְּכָתוּב، וְקִיֵּם מִלְּפָנֶיךָ שֶׁהָיָה בְּכָתוּב (מִדַּת תְּעִיִּין שֶׁהָיָה) בְּיָמֵי הַזְּמָן הַקָּבוֹעַ מִתְּעַד נִקְרִיד.

ه- گروهی از مترجمین: **וְאֵל תִּחְלִטּוּ לְקַיִים אֶת קֶשֶׁר הַנְּשׂוֹתָיו** 'این آلا کعبور הזמן הקבוע להמתנה'. و برای تحقق پیوند زناشویی تصمیم نگیرید مگر بعد از گذشت زمان معین برای انتظار (عده).

و- **עדות**: **וְאֵל תִּגְמְרוּ אוֹמֵר לְכָרוֹת אֶת בְּרִית הַנְּשׂוֹתָיו עַד אֲשֶׁר בָּא הַכֹּתוֹב אֶל קִצּוֹ**، و سخن انعقاد پیمان زناشویی را تا سرآمدن زمان نوشته شده، تمام نکنید (به انجام نرسانید).

نقد و بررسی ترجمه‌ها:

نمر: این ترجمه می‌گوید برای پیوند ازدواج (**קֶשֶׁר הַנְּשׂוֹתָיו**)، در زمان عده نباید تصمیمی گرفت که ظاهراً فعل «لا تنوا»، در تقدیر فرض شده است و با صدر آیه مطابقت ندارد.

روبین: عبارت **לְבֹא בְּבְרִית הַנְּשׂוֹתָיו** تشکیل شده از **הַנְּשׂוֹתָיו** (ازدواج) (שושן (na□v□)، ۱۹۷۹: ۱۷۲۸) و **לְבֹא בְּבְרִית** (عهد بستن و توافق) (همان: ۱۹۲) **בְּבְרִית** (میثاق)، مانند حزقیال ۸/۱۶: ...**וְאָבֹא בְּבְרִית אִתִּי**، و با تو عهد بستم، و روی هم رفته اصطلاحی به معنی «پیمان ازواج» است.

رکندورف: **תִּקְחוּ** (خواهد گرفت)، ریشه: **לָקַח**، معنی: گرفتن، در این‌جا به صورت فعل نهی به کار رفته و تا حدودی قابل انطباق با معنای همان عقد ازدواج است نه نیت آن.

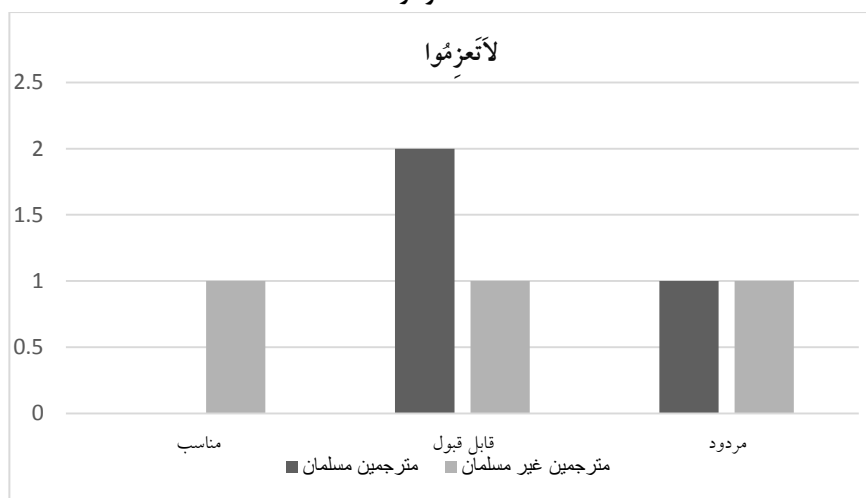
ریولین: **תְּכַתֵּב**، ریشه: **כָּתַב**، معنی: منعقد کردن (همان: ۱۱۰۸)، **כְּכֹתוֹב**، ریشه: **כָּתוֹב**، معنی: نوشته شده (همان: ۱۱۱۴) **מִלֵּא**، ریشه: **מָלָא**، معنی: کامل کردن (همان: ۱۳۵۲)

گروهی از مترجمین: **לְקַיִים**، ریشه: **קָיָם**، معنی: تحقق بخشیدن (همان: ۲۳۳۷)، **הַקְּבוּעָה**، ریشه: **קָבַע**، معنی: معین (همان: ۲۲۷۹)، **הַמְּתַנָּה**، ریشه: **מָתַן**، معنی: توقف کردن، انتظار کشیدن (همان: ۱۵۹۳)

עדות: **תִּגְמְרוּ**، ریشه: **גָּמַר**، معنی: تمام شدن (همان: ۳۵۶)، **קִצּוֹ**، ریشه: **קָצַץ**، معنی: پایان، وقت معین (حییم، ۱۹۶۶: ۴۹۳).

با توجه به توضیحات پیش گفته، نمر و رویین، با لفظ تصمیم به پیمان، ظاهراً همان نیت ازدواج را مورد توجه قرار داده‌اند که با صدر آیه منافات دارد. ترجمه‌های رکندورف، گروهی و عدوی نیز، تلویحاً به عقد ازدواج اشاره دارند؛ اما ترجمه ریولین که مستقیماً انعقاد عقد نکاح را بیان کرده، مناسب‌تر است.

نمودار ۴-۱



۲- ﴿وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَيْرَ بِالْظَلِيمِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا﴾ (نساء/۲)

لَا تَأْكُلُوا، با إلی، متعدی شده در حالی که متعدی شدن این فعل با إلی، معمول نیست. مائده/۶ و صف/۱۴، از همین موارد است که مفسران إلی را به معنی «مَعَ» گرفته و آیه را چنین معنا کرده‌اند: اموال آنان را با اموال خودتان مخورید. این معنا هرگونه تصرفی در مال یتیم را ممنوع می‌نماید؛ اما برخی دیگر اشراب فعل «لَا تَضُمُّوا» را در نظر گرفته‌اند. بنابراین معنا چنین است: ولا تأكلوها مضمومةً إلی اموالکم، اموال یتیمان را به ضمیمه مال خود نخورید (طبرسی، ۱۴۳۱، ج ۳: ۱۴؛ زمخشری، ۱۴۲۳: ۲۱۶؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۴: ۴۱؛ بیضاوی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۳۳۰؛ حلبی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۵۵۷). با رعایت تضمین، حکم صحیح از آیه استخراج می‌شود: مسلمانان نباید مال یتیم را ضمیمه مال خود کرده و از آن استفاده کنند. این حکم

موجب می‌شود مسلمانان از سرپرستی اموال یتیمان نهراسند و با رعایت حدود شرعی در اموال آنان دخل و تصرف نمایند.

ترجمه‌های عبری:

الف- نمر: **וְאֵל תַּעֲרֹבּוּ בֵּין רְכוּשֵׁם לְבֵין רְכוּשְׁכֶם**، و اموال آنها را بین اموال خودتان نامعلوم نسازید (درهم نیامیزید).

ب- روبین: **וְאֵל תֵּאָכְלוּ אֶת רְכוּשֵׁם עִם רְכוּשְׁכֶם**، و مال آنها را با مالتان نخورید.

ج- رکندورف: **וְאֵל תֵּאָכְדוּ אֶת הַנֶּחֱסֵן הַרְבּוֹת אֶת הַנֶּחֱסֵן**، ثروتشان را به خاطر زیاد شدن ثروتان نابود نکنید.

د- ریولین: **וְלֹא תֵאָכְלוּ הַנֶּחֱסֵן עַל הַנֶּחֱסֵן**، و ثروت آنها را با ثروت خودتان نخورید.

ه- گروهی از مترجمین: **וְאֵל תֵּאָכְלוּ (אֵל תַּעֲרֹבּוּ לְמַעַן תִּגְזְלוּ) אֶת רְכוּשֵׁם עִם רְכוּשְׁכֶם**، و مال آنها را با مالتان نخورید (به خاطر غصب مخلوط نکنید).

و- عدوی: **וְאֵל תֵּאָכְלוּ אֶת הַנֶּחֱסֵן אֶל הַנֶּחֱסֵן**، و ثروت آنها را با ثروت خودتان نخورید.

نقد و بررسی ترجمه‌ها:

نمر: واژه **תַּעֲרֹבּוּ**، ریشه: **לָרַב**، معنی: مخلوط کردن (שׁוֹשֵׁן، ۱۹۷۹: ۱۹۹۳).

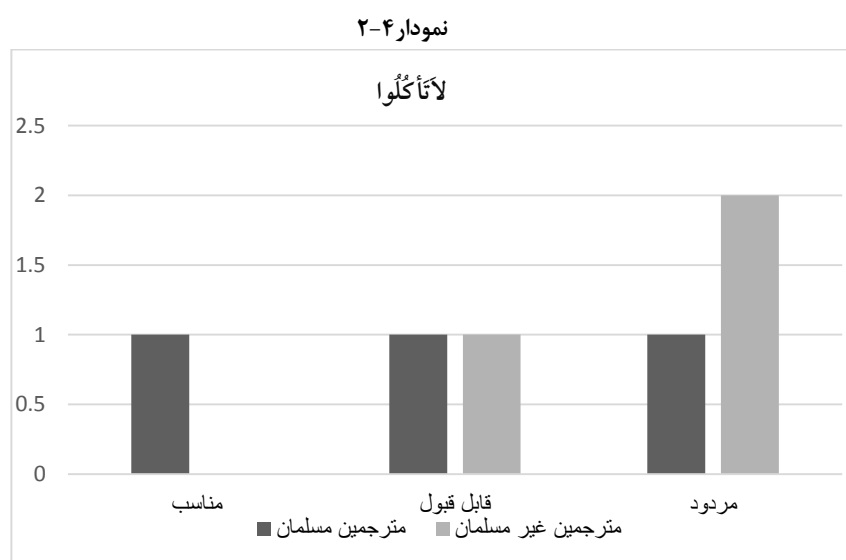
روبین: **תֵּאָכְלוּ**، ریشه: **אָכַל**، معنی: خوردن (همان: ۸۶).

رکندورف: **תֵּאָכְדוּ**، ریشه: **אָכַד**، معنی: از دست دادن، نابود شدن (همان: ۳).

گروهی از مترجمین: **תַּעֲרֹבּוּ** از ریشه **לָרַב** مبادله یا مخلوط کردن (همان: ۱۹۹۳) **תִּגְזְלוּ** از ریشه **גָּזַל** به معنی غصب و دزدی کردن است (همان: ۳۲۵).

نمر و رکندورف، به شکل ناقصی تضمین در فعل را رسانده و فعل ظاهر، در آیه را در ترجمه قید نکرده‌اند. روبین، ریولین و عدوی، مشابه یکدیگر و بی‌توجه به تضمین، فقط

معنای ظاهر را آورده‌اند. ترجمه گروهی با توضیح داخل پرانتز ترجمه مناسب‌تری ارائه داده است.



۳- ﴿لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (بقره/۲۲۶)

برخی مفسران معتقدند، ﴿يُؤْلُونَ﴾، با حرف جر «علی»، متعدی می‌شود، آمدن حرف جر «مِن» به معنای تضمین است. پس باید به معنای فعلی که با حرف جر «مِن» متعدی می‌شود، مثل یباعدون، باشد: دوری می‌کنند از همسرانشان در حالی که قسم می‌خورند (زمخشری، بی‌تا: ۱۳۱؛ آلوسی، ۱۴۲۶، ج: ۱؛ ۷۲۱؛ بیضاوی، ۱۴۲۱، ج: ۱۹۴؛ حلبی، ۱۴۰۶، ج: ۲: ۴۳۳). اما ابن هشام معتقد است: معنای «منع» در ﴿يُؤْلُونَ﴾، تضمین شده و به همین سبب با «مِن»، متعدی گردیده است (ابن هشام، ۱۳۶۸، ج: ۲: ۸۹۸).

ترجمه‌های عبری:

الف- نمر: לֹא־לָהּ נִשְׁבָּעוּ לֹא לְקִים יְחִסִּי מִיָּן עַם נְשׁוֹתֵיהֶם، کسانی که سوگند خوردند که رابطه جنسی با همسرشان نداشته باشند.

ب- روین: לֹא־אִשָּׁר יִתְחַיְבוּ בְּשָׁבוּעָה לְפָרֹשׁ נִשְׁבָּעוֹתֵיהֶם، آن‌ها که با سوگند متعهد می‌شوند از همسرانشان دوری کنند.

ج- رکندورف: (רכ"ד) הַנּוֹדְרִים לְהַפְרִיד מִנְּשִׂיהֶם، آن‌ها که برای جدایی از همسرانشان سوگند می‌خورند.

د- ریولین: אִשָּׁר יִשְׁבָּעוּ לְהַבְדִּיל מִנְּשׁוֹתֵיהֶם، کسانی که برای جدایی از همسرانشان سوگند می‌خورند.

ه- گروهی از مترجمین: לֹא־לָהּ הַנִּשְׁבָּעִים לֹא לְבוֹא אֶל נְשׁוֹתֵיהֶם، آن‌ها که سوگندهایشان برای نیامدن به سوی همسرانشان است.

و- عدوی: לֹא־לָהּ אִשָּׁר נִשְׁבָּעִים לְפָרוֹשׁ מִנְּשׁוֹתֵיהֶם، کسانی که برای جدایی از همسرانشان سوگند می‌خورند.

نقد و بررسی ترجمه‌ها:

نمر: בְּשָׁבָעוֹ، ریشه: שָׁבַע، معنی: ادای سوگند (شوشن، ۱۹۷۹: ۲۶۰۱). יְחִסִּי מִיָּן، معنی: ارتباط جنسی.

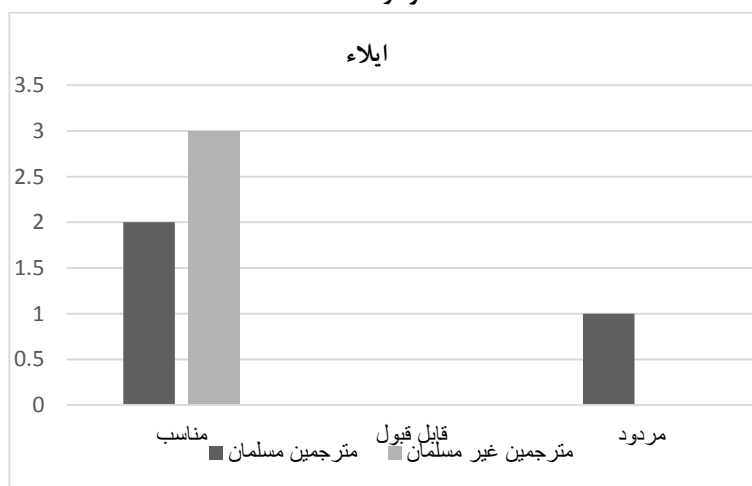
روین: יִתְחַיְבוּ، ریشه: חָיַב، معنی: متعهد می‌شوند (همان: ۷۵۱)، לְפָרֹשׁ، ریشه: פָּרַשׁ، معنی: دوری کنند.

رکندورف: נוֹדֵר، ریشه: נָדָה، معنی: نذر کردن و عهد بستن برای انجام کاری یا انجام ندادن کاری، اگر چنین شود (همان: ۱۶۲۰) مانند: اعداد ۳/۲۱: וַיִּדֹּר יִשְׂרָאֵל נֶדֶר לַיהוָה... واسرائیل برای خداوند نذر کرده گفت:....، لְהַפְרִיד، ریشه: פָּרַד معنی: دور شدن، از هم جدا شدن (همان: ۲۱۳۷) در این ترجمه موجب ارائه ترجمه مناسب گردیده است.

ریولین: לְהַבְדִּיל، ریشه: בָּדַל، معنی: جدایی (شوشن، ۱۹۷۹: ۱۸۶).

﴿يُؤْلَوْنَ﴾، معناه يحلفون (ابن عطیه، ۱۴۳۶، ج ۲: ۴۸). واژه «ایلاء» به معنی الحلف الذی یقتضی فی الأمر الذی یحلف فیہ است (آلوسی، ج ۱: ۷۲۱) و در وضع اولیه آن معنی آمیزش وجود ندارد. در آیه کریمه، دوری گزیدن یا ممنوع کردن در فعل ﴿يُؤْلَوْنَ﴾، تضمین شده است که در ترجمه نمر، اثری از آن نیست؛ بلکه عبارت ارتباط جنسی به آن افزوده شده است. ترجمه گروهی نیز، با عبارت لَا لَبَؤَا، به دوری گزیدن اشاره دارد. ترجمه رویین، رکندورف، ریولین و عدوی، همراه با معنای تضمین شده و مناسب هستند.

نمودار ۳-۴



۴- ﴿وَلْيَضْرِبَنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ (نور/۳۱)

زمخشری، وَلْيَضْرِبَنَّ را متضمن معنی یضعن و علامه و طبرسی، آن را متضمن معنای یلقین دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۲۳: ۷۲۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۱۱۲؛ طبرسی، ۱۴۳۱، ج ۷: ۲۴۱). یضرب با علی، متعدی شده و بنابر آنچه ابوحیان گفته است، متضمن معنی وضع و إلقاء است (آلوسی، ۱۴۲۶، ج ۹: ۴۵۲؛ طبرسی، ۱۴۳۱، ج ۷: ۳۳۸؛ حلبی، ۱۴۰۶، ج ۸: ۳۹۷؛ ابوحیان، ۱۴۲۲، ج ۶: ۴۱۳).

ترجمه‌های عبری:

الف- نمر: **וְתַעֲטָא כְּנָה אֶת חֲזוֹתֶיהָ בְּצַעֲפִיָּהָ**، وچهره‌های خود را با برقع‌هایشان خواهند پوشاند.

ب- روبین: **וְתַכְסִּינָה בְּרַעְלוֹתֶיהָ אֶת חֲזוֹתֶיהָ**، و با روبنده‌هایشان سیمای خود را خواهند پوشاند.

ج- رکندورف: **גַּם תַּכְסִּינָה אֶת חִיקָן בְּצַעֲפִיָּה**، همچنین با برقع سینه‌های خود را خواهند پوشاند.

د- ریولین: **וְקִשְׁרוּ צַעֲיָר לְחִיקָן**، و برقع به سوی سینه بستند.

ه- گروهی از مترجمین: **וְיָכֶסּוּ בְּרַעְלוֹתֶיהָ אֶת חֲזוֹתֶיהָ**، و با روبنده‌هایشان سیمای خود را خواهند پوشاند.

و- عدوی: **וְכִי יָכֶסּוּ בְּרַעְלוֹתֶיהָ אֶת חֲזוֹתֶיהָ**، و چون با روبنده‌هایشان سیمای خود را خواهند پوشاند.

نقد و بررسی ترجمه‌ها:

نمر: **וְתַעֲטָא כְּנָה**، ریشه: **לטפ**، معنی: پوشاندن خود از (שושן، ۱۹۷۹: ۱۹۰۴). **חֲזוֹת**: ظاهر، صورت (همان: ۷۳۸)، **בְּצַעֲפִיָּהָ**: برقع‌های زنان. پیدایش ۶۵/۲۴: **וְתַקַּח הַצִּעִיר וְתַתְּכֶסּוּ**. پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید.

روبین: **תַּכְסִּינָה**، ریشه: **כסה**، معنی: پنهان کردن، پوشاندن (همان: ۱۰۴۹). پیدایش ۱۷/۱۸: **הַמַּכְסֶּה אֶנִּי מֵאַבְרָהָם**، آیا من از ابراهیم پنهان کنم. **רַעְלוֹת**: روبندها (همان: ۲۵۴۲). **إِشْعِیَا ۱۹/۳**: **הַנִּטְפֹּת וְהַיָּשׁוּרוֹת וְהַרַעְלוֹת**، گوشواره‌ها و دستبندها و روبندها را...

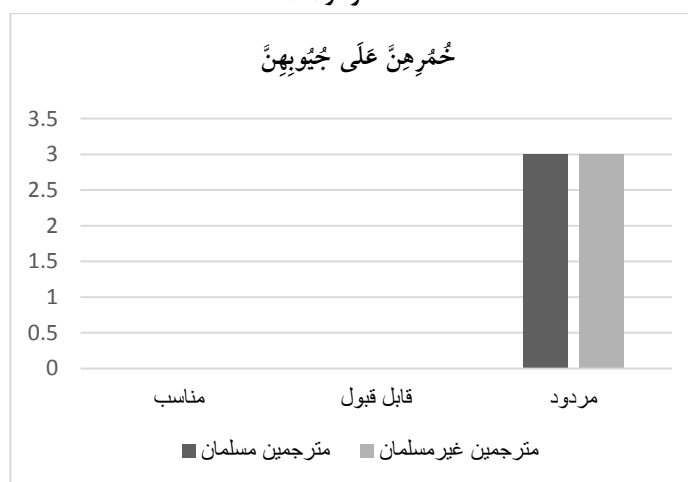
رکندورف: واژه **חִיקָן**: سینه (همان: ۷۵۹).

ترجمه رکندورف و ریولین، مشابهند و با استفاده از واژه **חִיקָן** به جای **חֲזוֹת** (چهره) در ترجمه‌های دیگر به منطقه پوشش وسعت بخشیده‌اند. اما کلمه برقع که برای پوشش صورت است، با آن تناسب ندارد. ترجمه نمر، روبین، گروهی و عدوی، در تشخیص مفهوم کلمات اشتباه کرده‌اند؛ زیرا منظور آیه پوشاندن صورت نیست؛ بلکه علاوه بر سر،

پوشاندن سینه و گریبان نیز، مورد نظر است. با اشراف به فرهنگ مردم در زمان نزول، مشخص می‌شود معنای پوشاندن، در خُمُر مستتر است که مورد استفاده آن، پوشاندن سر بوده است. מְטַפְּחָת به معنی اِشارپ و روسری بزرگ (حییم، ۱۹۶۶: ۲۵۶) جانشین برقع می‌شود. ترجمه مناسب چنین خواهد بود:

הָיוּ צָרִיכוֹת לְשִׁים אֶת מְטַפְּחוֹתֵיהֶן לַעַל צָוּאָרְהֶן וְחִיקָן، و باید اطراف مقنعه‌های خود را (برای پوشش) روی گریبان و سینه‌هایشان ببندازند.

نمودار ۴-۴



۵- ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ﴾ (فصلت/۶)

استقام، با حرف لام متعدی می‌شود. ﴿فَاسْتَقِيمُوا﴾ بوسیله‌ی‌ی، متعدی شده است؛ زیرا معنی تَوَجَّهُوا، را تضمین کرده است. والمعنی: وَجَّهُوا استقامتکم‌إلیه (حلبی، ۱۴۰۶، ج ۹: ۵۰۸). قول دیگری که ابن عطیه، مطرح کرده است، تضمین علی محجة الهدی و طریق الشرع والتوحید در «إلیه» است (ابن عطیه، ۱۴۳۶، ج ۸: ۴۹۷). معنای استقامت، راستی، بدون اعوجاج و هرگونه انحرافی است (مستفید، ۱۳۹۰: ۴).

ترجمه‌های عبری:

الف- نمر: אָפּזאָן בְּכֹנִים עָמַד וּבִקְשׁוֹ אֶת סְלִיחָתוֹ، بنابراین استقامت کنندگان همراه او باشید و از او تقاضای بخشش کنید.

ب- روبین: הַנְּשִׁירוּ לָכֶת לְקִרְאָתוֹ וּבִקְשׁוֹ אֶת מְחִילָתוֹ، مستقیم به سمت او بروید و بخشش را تقاضا کنید.

ج- رکندورف: לָכֵן הִכֹּנֵנוּ לְקִרְאָתוֹ וּבִקְשׁוֹ אֶת פְּנִיּוֹ! بنابراین برای خواندن او استقامت کنید و به سوی او طلب بخشش کنید!

د- ریولین: אָפּזאָן בְּכֹנִים עָמַד וְהִתְפַּלֵּל לְסְלִיחָתוֹ، بنابراین استقامت کنندگان همراه او باشید و برای بخشش از او درخواست کنید.

ه- گروهی از مترجمین: לָכֵן בִּדְרָכּוֹ הִנְשָׂרָה וּבִקְשׁוֹ אֶת סְלִיחָתוֹ، به راه مستقیم او برو و از او درخواست بخشش نما.

و- عدوی: הַנְּשִׁירוּ לְכַתְּבָם אֵלָיו וּבִקְשׁוֹ אֶת מְחִילָתוֹ، مستقیم به سوی او بروید و درخواست بخشش کنید.

نقد و بررسی ترجمه‌ها:

نمر: בְּכֹנִים، ریشه: כוּן، معنی: آماده بودن (فعل)، حقیقت و استقامت (اسم) (שׁוֹשׁ، ۱۹۷۹: ۱۰۳۳).

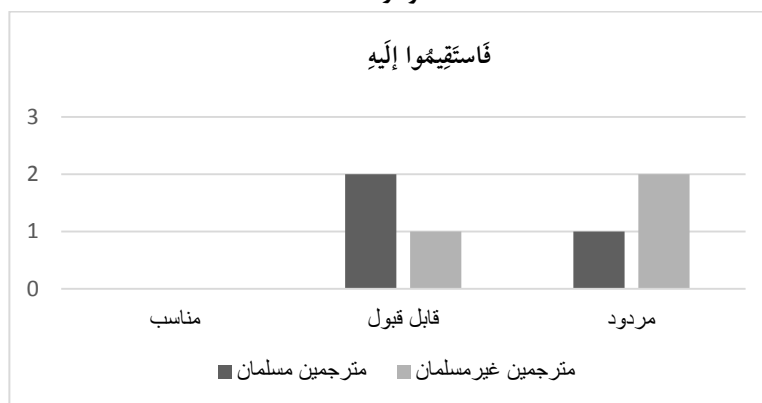
روبین: הַנְּשִׁירוּ، ریشه: יָשַׁר، معنی: مستقیم نگاه کردن (همان: ۱۰۰۳)، لְקִרְאָתוֹ، ریشه: קָרָא، معنی: پیش یا در برابر (همان: ۲۳۹۵). לָכֶת، ریشه: הִלַךְ، معنی: رفتن، בִּקְשׁוֹ، ریشه: בָּקַשׁ، معنی: درخواست کردن (همان: ۲۶۸) מְחִילָתוֹ، ریشه: מָחַל، معنی: عفو و بخشش (همان: ۱۲۹۶).

رکندورف: בְּפִפֵּר، ریشه: כָּפַר، معنی: طلب بخشش کردن (همان: ۱۰۹۵)، פְּנִיּוֹ، به سوی او (همان: ۲۰۹۷).

نمر، رکندورف و ریولین، از کلمه استقامت استفاده کرده‌اند که در این جا درست نیست. اگرچه ترجمه گروهی، صیغه جمع را به مفرد تبدیل کرده است، اما در مجموع روبین، گروهی و عدوی، ترجمه‌های مناسبی هستند؛ اما ترجمه مناسب‌تر چنین است:

כְּכֹנֹת וּבְלִי הַתְּנִיחֹת רָעָה הִגִּיעוּ אֵלָיו וּבְקִשּׁוֹ אֶת מַחֲלָתוֹ، پس حق‌گرایانه و بی‌هیچ اغوجاجی به سوی او رو کنید و از او آمرزش بخواهید.

نمودار ۴-۵



۶- ﴿مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ﴾ (صف/۱۴، آل عمران/۵۲)

یک نظر این است که *إلى*، به معنی «مَعَ» در آیه به کار رفته است (ابوحیان، ۱۴۲۲، ج ۱: ۲۰۱؛ نسابوری، ۱۴۰۴: ۶۸؛ ابن قتیبه، ۱۴۲۳: ۳۰۰)؛ اما بیضاوی این نظر را ضعیف می‌شمارد. وی، معتقد است *إلى*، معنی را منصرف به ذاهباً می‌گرداند و جایز است معنی اضافه را در آن تضمین کرد؛ یعنی من الذین یضیفون أنفسهم إلى الله تعالی فی نصری و یا من جندیٍّ موجَّهاً إلى نصره الله (بیضاوی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۲۶۳، ج ۳: ۴۰۳؛ آلوسی، ۱۴۲۶، ج ۱۴: ۳۸۱).

زمخشری، معتقد است جواب سؤال که در آیه ذکر شده است، عبارت سؤال را تبیین می‌کند. در حقیقت جواب، در آیه قرینه‌ای برای یافتن مفهوم سوال است. ﴿نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾، جواب است و آنچه با آن مطابقت معنایی دارد، این است: من جندی متوجهها إلى نصره الله، پس معنی ﴿نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾، نحن الذین ینصرون الله و معنی مَنْ أَنْصَارِي، من

الأنصار الذين يختصون بي ويكونون معي في نصره الله و صحيح نیست چنین معنا کنیم: من ينصرني مع الله، زیرا با جواب مطابقت ندارد (زمخشری، ۱۴۲۳: ۱۱۰۴). إلی الله، متعلق به أَنْصَارِي است که معنای ذهاب و سلوک را در نصره، تضمین کرده است. مانند ﴿أَتَى ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي﴾ (الصفات/۹۹) پس تقدیر چنین است: مَنْ أَنْصَارِي ذَاهِباً إِلَى اللَّهِ (مستفید، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

الف- نمر: מִי יְהִי עֹזְרִי לְמַעַן אֶלְלָהּ? (صف/۱۴) מִי יְהִי עֹזְרִי לְאֶלְלָהּ?
(آل عمران/۵۲)

چه کسی به خاطر (به سوی) خدا مرا کمک می‌کند؟

ب- روبین: מִי יְהִי תוֹמְכִי לְאֶלְלָהּ? (صف/۱۴)، (آل عمران/۵۲) چه کسی مرا به سوی خدا پشتیبانی می‌کند؟

ج- رکندورف: מִי יִתְּצֵב לִי לְהִלָּחֵם לָד? (صف/۱۴) چه کسی مرا در جنگ برای خدا تثبیت می‌کند؟

צֶחַ יִתְּצֵב לִי בַעֲבוּר אִמּוֹן אֶמּוֹנֵת אֵל? (آل عمران/۵۲) مرا خالص برای اعتقاد به خدا تثبیت خواهد کرد؟

د- ریولین: "מִי (יְהִי) בְּעֹזְרִי לְאֶל־הִים"? (صف/۱۴)، (آل عمران/۵۲) چه کسی به سوی خداوند مرا کمک می‌کند؟

ه- گروهی از مترجمین: מִי יְהִי תוֹמְכִי בִדְרֹךְ לְאֶל־הִים? (آل عمران/۵۲) چه کسی مرا در راه به سوی خدا پشتیبانی می‌کند؟ מִי הֵם עֹזְרֵי לְמַעַן אֶל־הִים? (صف/۱۴) چه کسی از آن‌ها مرا به خاطر خدا کمک می‌کند؟

و- عدوی: מִי תוֹמְכִי לְמַעַן אֶלְלָהּ? (آل عمران/۵۲)، (صف/۱۴) چه کسی مرا به خاطر خدا پشتیبانی می‌کند؟

نقد و بررسی ترجمه‌ها:

نمر: לְמַלְאָךְ، معنی: به خاطر (שושן، ۱۹۷۹: ۱۴۴۲).

روبین: הַמְּדִי לְ, ریشه: חמם معنی: حمایت و کمک (همان: ۲۸۷۲).

رکندورف: در دو آیه مشابه دو کلمه مختلف را به کار برده است. צח, ریشه: צחח, معنی: خالص و روشن بودن، بی‌غش (همان: ۲۲۱۶). הַיִּצָּח, ریشه: יצח, معنی: تثبیت شدن، ایستادن و ماندن (همان: ۹۷۹).

در ترجمه روبین، کلمه הַיִּצָּח در ترجمه زائد است؛ زیرا آیه به جنگ اشاره ندارد. ترجمه رکندورف نیز، دارای عبارت اضافه است. הַיִּצָּח همراه لام, ב, את به معنی «جنگیدن با» (حییم، ۱۳۴۴: ۲۲۶) و همراهی ל با آن به معنی «جنگیدن برای»، می‌باشد. ترجمه گروهی در آل‌عمران/۵۲، از سایر ترجمه‌ها که شبیه هم و ناقصند، بهتر است. ترجمه مناسب با استفاده از הַמְּדִי (هدف) (شوشان، ۱۹۷۹: ۱۳۲۰) برای تبیین معنا، می‌تواند چنین باشد:

מִי הַחֲבִירִים שְׂלִי הַמְּדִי הִיא אֶל הַיָּם וְאַנִּי הוֹלֵךְ אֵלָיו?

چه کسانی یاران من هستند در حالی که هدفم خداوند است و به نزد او می‌روم؟

نمودار ۴-۶



۷- ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ

مُسْتَهْزِئُونَ﴾ (بقره/۱۴)

خلاً، اکثراً با حرف باء، متعدی می‌شود و زمانی که با «إلى»، متعدی می‌شود، متضمن معنی صَرْف و یا ذهب است، والمعنی: صَرَفُوا خَلَاهُمْ إِلَى شَیْطَانِهِمْ، یا ذهبوا وانصرفوا فیکون (حلبی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۴۵؛ ابن عطیه، ۱۴۳۶، ج ۱: ۲۹۸). تفاسیر متعددی، تعدی «خَلَوْا» به «إلى» را به معنی «انفردت معه» آورده‌اند و در واقع تضمین «انفراد» در «خَلَوْا» را بیان کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۲۳: ۴۸؛ آلوسی، ۱۴۲۶، ج ۱: ۲۳۱؛ بیضاوی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۵۰). قول ضعیفی نیز تضمین را در حرف، شایسته دانسته و «إلى» را به معنی «مع» آورده است (ابوحیان، ۱۴۲۲، ج ۱: ۲۰۱؛ طبرسی، ۱۴۳۱، ج ۱: ۱۳۳).

ترجمه‌های عبری:

الف- נמר: וְכִי יִפְגְּשׁוּ אֶת הַמַּאֲמִינִים יֹאמְרוּ "מַאֲמִינִים אַנּוּ" וּבְפָרְדָם עִם הַשְׂטָנִים שְׁלָהֶם יֹאמְרוּ، و چون با مؤمنان ملاقات می‌کنند، می‌گویند "ما ایمان داریم" و هنگام جداسدن از آن‌ها، با شیطان‌هایشان می‌گویند...

ب- רובין: בְּפֻגְשָׁם אֶת הַמַּאֲמִינִים، יִגִּידוּ، מַאֲמִינִים אַנּוּ. וְאֵלֶם בְּהִתְיַחֲדָם עִם מַרְעִיָּהֶם בְּנֵי הַשְׁטָן، יִגִּידוּ، در ملاقات با مؤمنان می‌گویند، ما ایمان داریم و اما هنگام خلوت کردن با همتایان شیطانی خود می‌گویند...

ج- رکن‌دورف: אִם יִקְרָאוּ אֶל הַמַּאֲמִינִים، יֹאמְרוּ: אַנְחֵנוּ מַאֲמִינִים، וְאִם יִפְגְּדוּ אֶל יַעֲדַת פְּרִי־צִיָּהֶם، יֹאמְרוּ، در ملاقات با مؤمنان می‌گویند، ما ایمان داریم و اما هنگام دورهم جمع شدن با جماعت شریر خود می‌گویند...

د- ری-ولین: וְכִי יִפְגְּשׁוּ אֶת הַמַּאֲמִינִים יֹאמְרוּ: מַאֲמִינִים אַנְחֵנוּ וּבְפָרְדָם עִם שְׂטָנֵיהֶם וְאֹמְרוּ، و چون مؤمنان را ملاقات کنند، گویند: ما ایمان آورندگانیم و هنگام جداسدن از آن‌ها، با شیطان‌هایشان می‌گویند...

ه- گروهی از مترجمین: וְכִי יִפְגְּשׁוּ פֻגְשִׁים אֶת אֵלֶּה אֲנֶשֶׁר הֵאֱמִינוּ הֵם אֲזַמְרִים לָהֶם מַאֲמִינִים אַנּוּ، אֲךְ בְּהִתְיַחֲדָם עִם שְׂטָנֵיהֶם، و زمانی که مؤمنان را ملاقات می‌کنند به آن‌ها می‌گویند ما ایمان داریم، اما در مذاکرات خصوصی با شیاطینشان...

و- ع_____دوی: וְאֵם פּוֹגֵשׁ יָם אֶת אֱלֹהֵי אֲשֶׁר הָאֱמִינוּ אֹמְרִים: "הָאֱמִינוּ"! וְאֵם מִתְיַחֲדִים לָם שׁׁטָנִים، و اگر ملاقات کنند کسانی را که ایمان آورده‌اند، گویند: "ایمان آوردیم"! و اگر با شیطان‌هایشان خلوت کنند...

نقد و بررسی ترجمه‌ها:

نمر: برای رساندن معنی "برمی‌گردند در حالی که با آنان خلوت کرده‌اند"، از عبارت וּבְפָרְדָם استفاده کرده است. ریشه: פָּרַד، معنی: دور شدن و جداشدن (شوش، ۱۹۷۹: ۲۱۳۷). پیدایش ۹/۱۳: הִפְרַד נָא מַעֲלִי، אֵם-הַשָּׁמַיִם אֶל-וְאֵימָנָה، از من جدا شو اگر به جانب چپ روی من به راست خواهم رفت، و سموئیل دوم ۲۳/۱: וּבְמִוְתָם לֹא נִפְרְדוּ. و در مرگشان از یکدیگر جدا نشدند.

روبین: בְּהִתְיַחֲדָם، ریشه: יָחַד، معنی: خلوت کردن با یک یا چند نفر دیگر و הִתְיַחֲדָ: با دیگران خلوت نمود (همان: ۹۵۳).

رکندورف: יִפְרְדוּ، ریشه: יָפַד، معنی: دورهم جمع شدن، قرار ملاقات داشتن (همان: ص ۹۷۰؛ حییم، ۱۹۶۶: ۱۸۹).

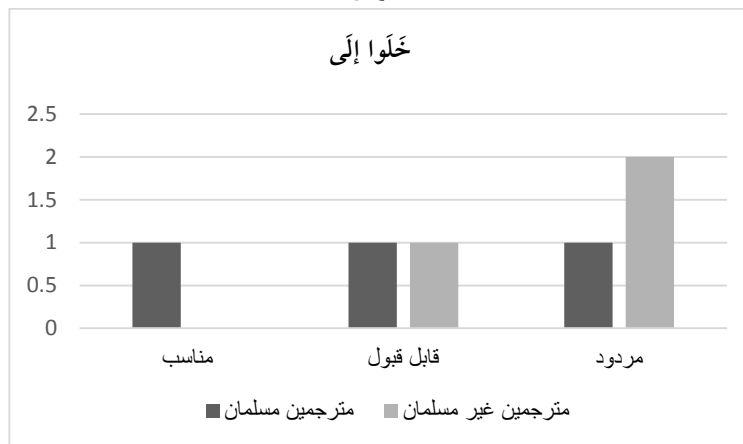
گروهی از مترجمین: בְּהִתְיַחֲדָם در خلوت مذاکره کردن (حییم، ۱۹۶۶: ۱۸۵).

نمر و ریولین، با ترجمه‌ای مشابه رکندورف، به خلوت کردن اشاره‌ای ندارند. روبین، گروهی و عدوی، بدون لحاظ تضمین به خلوت گزیدن اشاره دارند. ترجمه گروهی اگرچه کامل نیست، اما از دیگر ترجمه‌ها رساتر است.

معنای تضمین شده در ﴿خَلَوْا إِلَيَّ﴾، "برگشتن به سوی"، در این ترجمه‌ها لحاظ نشده است. به کارگرفتن واژه קָוַר به معنی بازگشتن (شوشان، ۱۹۷۹: ۷۴۲)، تضمین در فعل را به درستی تبیین می‌کند. بنابراین ترجمه مناسب چنین است:

חֲזָרִים לְשׁׁטָנִים נְשָׁלָהֶם וּבְהִתְיַחֲדָם، در حالی که از دیگران کناره می‌گیرند به سوی شیطان‌هایشان باز می‌گردند.

نمودار ۴-۷



۸- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عِثْمٌ قَدْ بَدَتِ
الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾
(آل عمران/ ۱۱۸)

﴿لَا يَأْلُونَكُمْ﴾ متعدی، بنفسه به یک مفعول و به معنی کوتاهی نکردن، بلکه تلاش برای محقق شدن امری است (ابن عطیه، ۱۴۳۶، ج ۲: ۵۷۲) و در اصل الألو، یعنی التقصیر و در این آیه معنای منع در آن تضمین شده است (آلوسی، ۱۴۲۶، ج ۲: ۳۵۲؛ زمخشری، ۱۴۲۳: ۱۹۱؛ حلبی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۳۳۳). بیضاوی، علاوه بر منع معنی نقص را برای تضمین پیشنهاد داده است (بیضاوی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۳۵). خبال، فساد است که موجب اضطراب و بیماری است مثل جنون و آنچه به طور جدی در تعقل تأثیر می‌گذارد (راغب، ۱۳۷۶: ۱۴۳).

مفسران، در اصل معنای الألو (التقصیر)، اتفاق نظر دارند؛ اما در معنای تضمین شده، دو نظر وجود دارد، منع یا نقص. آیه، با تضمین «منع» چنین معنا می‌دهد که کفار از رسیدن هیچ‌گونه آسیب به مؤمنان منع نمی‌کنند، این اگرچه خوب نیست، اما قابل تحمل است؛ زیرا نشان می‌دهد آن‌ها، نه با مؤمنانند و نه ضد ایشان. اما تضمین «نقص»، نهایت دشمنی آن‌ها با مؤمنان را بیان می‌نماید و با مقصود آیه سازگارتر است:

آن‌ها در حالی که نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرند از رساندن هیچ‌گونه آسیب و آفتی به شما کوتاهی نمی‌کنند.

ترجمه‌های عبری:

الف - نمر: הֲיִי הַמַּאֲמִינִים! אֶל תִּקְחוּ לָכֶם כְּאִנְשֵׁי שְׁלוֹמָם אֶת אֱלֹהֵי שְׁלֹא מִבִּינֵיכֶם, כִּי לֹא יִחַסְכוּ מֵאֲמִץ לְגִרָם לָכֶם צָרוֹת מְמוֹשְׁכוֹת. הֵם תָּמִיד מְקִיִּם שְׁתִּסְבְּלוּ, אִי מוֹמֵנָן, אִי אִנְשָׁנָהיִי כִּי אִי שְׁמָא נִיסְתַּנְד דּוֹסֵת נִגִּירִיד; זִירָא אֲנָהּ אִי הֵיִךְ תִּלְאִשִּׁי בִּי מִנְּזוֹר אִיִּבְּאֵד מִשְׁכַּל בִּי טוֹר גִּסְתֵּרֵד בִּרָא שְׁמָא, כּוֹתָהִי נִמִּי כִּנְד.

ب - روبین: הֲיִי הַמַּאֲמִינִים, אֶל תִּקְחוּ לָכֶם יְדִידֵי נִפְשׁ שְׁלֹא מִבִּינֵיכֶם, כִּי לֹא יִחַסְכוּ כָּל מֵאֲמִץ לְחַבֵּל בָּכֶם. הֵם שְׁמִיחִים בְּמַצִּיקְתְּכֶם, אִי מוֹמֵנָן דּוֹסֵת صَمִימִי אִי גִירָא אֲנָהּ אִי הֵיִךְ תִּלְאִשִּׁי בִּרָא خَرَاب־כָּרִי דִּרְ שְׁמָא כּוֹתָהִי נִמִּי כִּנְד. אֲנָהּ אִי נִרְאִחִתִּי שְׁמָא خוֹשְׁחָלֵנְד.

ج - ركنـدورف: (קי") אַתֶּם הַמַּאֲמִינִים! אֶל תִּתְרוֹעְעוּ אֶל אִנְשֵׁי דַת אַחֲרֶת, לֹא יִשׁוּבוּ מִיְּהִדִּיחַ אַתְּכֶם, וְלֹא יִדְרָשׁוּ כִּי אִם אֶת רַעֲתֶיכֶם, שְׁמָא מוֹמֵנָן! בִּי סוּי פִּירוֹאן דִּינָא דִּיגֵר אִי הֵם גְּסִיחֶתֶת נִשׁוּיֵד, אֲנָהּ אִי תִּחְרִיב שְׁמָא בִּרְנוֹחֵנְד גִּשְׁת ו בִּרָא שְׁמָא חִזֶּרֶשׁ, טִלֵּב נִמִּי כִּנְד.

د - ریولین: אֶל תִּקְחוּ לָכֶם מִתִּי-סוּד מְזוּלְתֶיכֶם. לֹא יִרְפוּ מִחֲבֵל בָּכֶם. יְבָקְשׁוּ אֲנִשְׁר תִּבּוֹא עֲלֵיכֶם רָעָה גְּדוֹלָה, בִּרָא אֲנִי דּוֹסֵת صَمִימִי הִמְרָא אִי גִירָא אֲנִי נִגִּירִיד. אֲנָהּ אִי خَرَاب־כָּרִי דִּרְבָּרֵה שְׁמָא כּוֹתָהִי נִחוֹחֵנְד כִּרְד. אֲנָהּ אֲוֹחָאן אִמְדֵּן בְּדֵי־הֵי בִּזְרֵג בִּרְ שְׁמָא הִסְתַּנְד.

ه - گروهی از مترجمین: אֶל תִּקְחוּ לָכֶם יְדִידִים מְקוֹרְבִים שְׁאִינֶם מְקַרְבְּכֶם (כּוֹפְרִים), כִּי אִינֶם מְרַפִּים לְגִרָם לָכֶם צָרוֹת מְמוֹשְׁכוֹת. הֵם תָּמִיד מְקִיִּים שְׁתִּסְבְּלוּ, בִּרָא אֲנִי, דּוֹסְתָן נִזְדִּיק כִּי אִי מִיָּאן אֲנִיִּסְתַּנְד (כָּפֵרָאן), נִגִּירִיד; זִירָא אֲנִי אִיִּבְּאֵד כִּרְדֵּן

فجایع دائمی برای شما کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها همیشه امید دارند که شما رنج و عذاب بکشید.

و- **عدوی:** אֵל תִּקְחוּ לָכֶם מְקוֹרְבִים מְזוּלָתָם! אֵינֶם חוֹסְדִים מִכָּהֶן، برای خود نزدیکانی غیر خودتان نگیرید! آن‌ها از خراب‌کاری درباره شما کوتاهی نمی‌کنند.

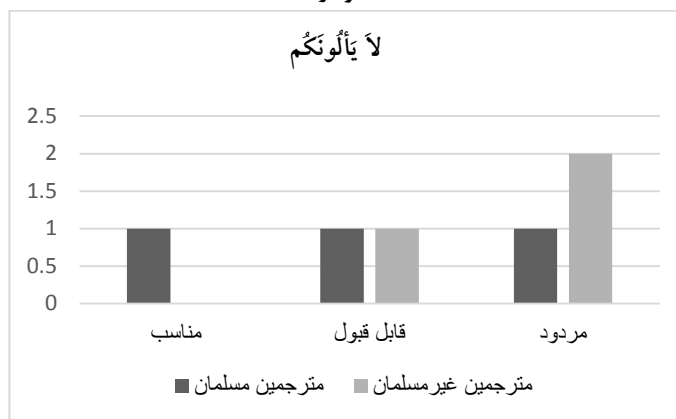
نقد و بررسی ترجمه‌ها:

رکندورف: הַתְּרַוּעָה، ریشه: רָעָה، معنی: گسیختن و شکستگی (שׁוֹשׁ، ۱۹۷۹: ۲۵۴۴).
אֵינֵי דָה: مردمی از ادیان دیگر (همان: ۸۲) که آیه چنین ممیزی را ذکر نمی‌کند. در زمان نزول پیروان ادیان دیگر همان اهل کتاب بودند اما آیه به هر آئینی جز اسلام اشاره دارد.
ریولین: מִתִּי-דֹד: افراد نزدیک و مورد اطمینان (همان: ۱۷۷۰). מְחַבֵּל: خراب‌کاری، بدخواهی (همان: ۱۲۸۶).

گروهی از مترجمین: לָרֹחַ، ریشه: צָרַח، معنی: فاجعه (همان: ۲۲۶۹). לְגֹרֶם، ریشه: גָּרַם، معنی: سبب شدن، ایجاد کردن (همان: ۳۷۵). מְמוֹנְשָׁכוֹת، ریشه: מָנַשׁ، معنی: مدت زمانی طولانی، لاینقطع (همان: ۱۳۸۳).

روبین، با افزودن کلمه מְמוֹנְשָׁכוֹת معنای بطانة به درستی انتقال داده، اما در مورد رعایت تضمین مانند ریولین و عدوی ترجمه‌ای ناقص است. ترجمه رکندورف، دارای اضافات است و علاوه بر این که مترجم در انتخاب لغات هم‌معنی دچار سردرگمی گشته، تضمین را نیز رعایت نکرده و در مجموع ترجمه آیه به درستی صورت نگرفته است. ترجمه گروهی، با وجود تفصیل بیش‌تر در ترجمه در ارائه معنی کامل موفق نبوده است. نمر، با رعایت تضمین مفهومی درست و مناسب از آیه منتقل کرده است.

نمودار ۴-۸



۵- نتیجه گیری

دسته بندی نتایج حاصل از این تحقیق، چنین است:

۱- مترجمین قرآن کریم به زبان عبری در انتقال اسلوب تضمین در ترجمه‌های خود چندان موفق نبوده و سعی کافی را در انتقال کامل مفاهیم مبذول نداشته‌اند.

۲- برخی اشتباهات و مبهمات حاصل از ترجمه قرآن کریم به زبان عبری، حاکی از بی‌اطلاعی مترجمان از فرهنگ مسلمانان در زمان نزول قرآن کریم است که موجب می‌شود کلمات نادرستی را در ترجمه به زبان مقصد جایگزین نمایند. انتخاب کلمات نادرست که گاهی حاکی از عدم تسلط کافی مترجم به زبان مبدأ یا مقصد نیز هست، موجب نارسایی ترجمه و اعوجاج در مفهوم آیات خواهد شد. برای مثال، انتخاب **חֲזָתָה** (ظاهر، سیما) به جای گریبان و سینه و **רִעְלָוֹת** (روبند) به جای روسری بزرگ، در آیه **﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾**، مفهوم درستی را منتقل نمی‌کند.

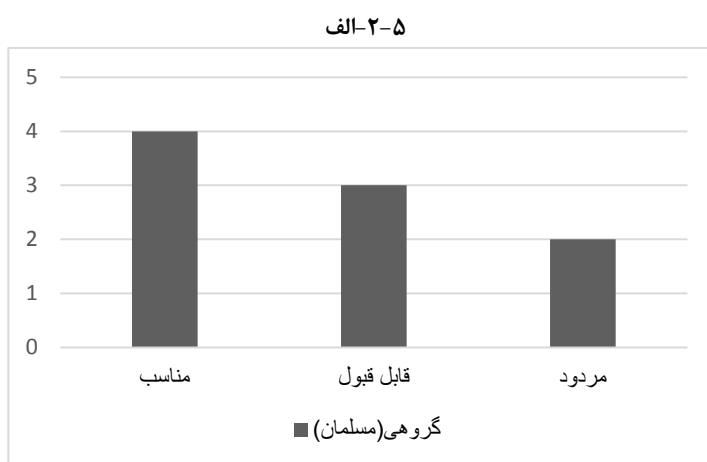
۳- مقدمه برخی از ترجمه‌ها، حاکی از پیش ذهنیتی منفی درباره تعلیمات قرآن کریم بوده که ظاهراً در روند ترجمه بی‌تأثیر نبوده است.

۴- بر اساس نمودار ۵-۱، مترجمان مسلمان در ترجمه تضمین موفق‌تر از غیرمسلمانان بوده‌اند؛ اما در ترجمه آنان توجه به این نکته که عدم رعایت تضمین گاهی بر مبانی اعتقادی

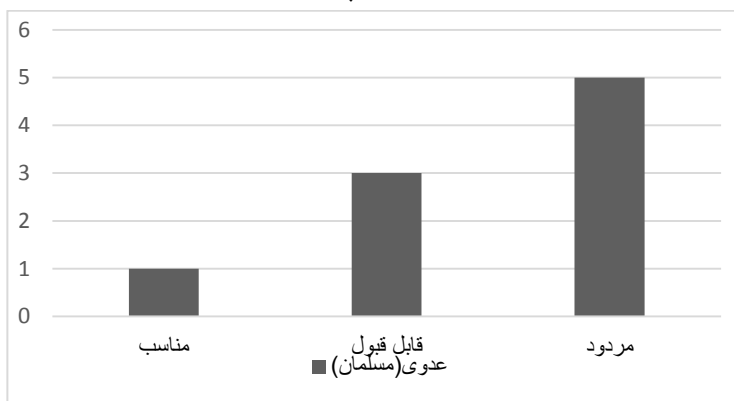
و احکام فقهی خدشه وارد می‌کند، مغفول مانده و برتری قابل توجهی نسبت به ترجمه غیرمسلمانان در این عرصه کسب نکرده‌اند.



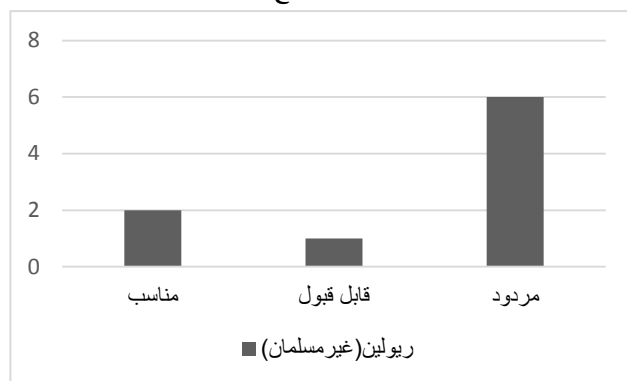
نمودارهای ۵-۲، نشان می‌دهند، موفق‌ترین مترجم در ترجمه تضمین، مترجمان گروه هندی هستند. عدوی، در رده دوم، ریولین، در رده سوم، نمر، رکن‌دورف و روبین در رده چهارم قرار گرفته‌اند.



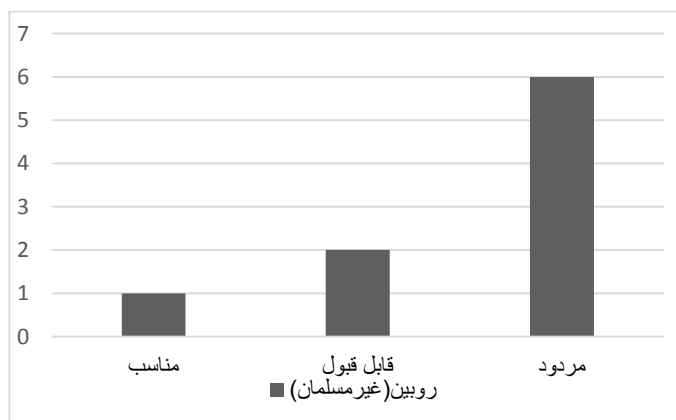
۵-۲-ب



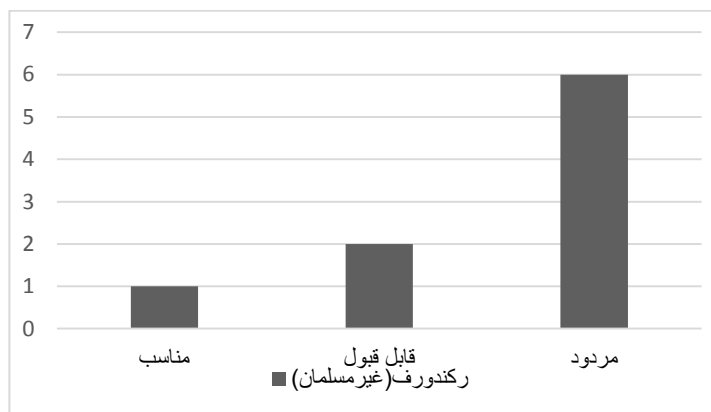
۵-۲-ج



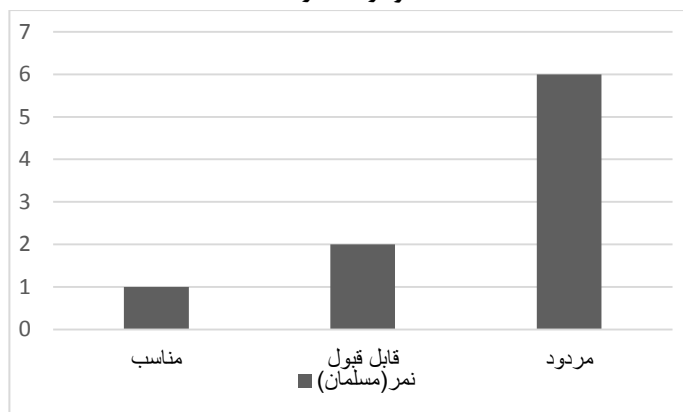
۵-۲-د



۵-۲-۵



نمودار ۵-۲-۵



۶- منابع

پیقرآن کریم

۱- کتاب مقدس

۲- آلوسی، شهاب الدین، روح المعانی، تحقیق: سید ابراهیم عمران، القاهرة: دارالحدیث، (۱۴۲۶ق).

۳- ابن اثیر، ضیاء الدین، الجامع الكبير، محقق: مصطفى جواد، بی مک: مطبعة المجمع العلمي، (۱۳۷۵ق).

۴- ابن عاشور، محمد، التحرير والتنوير، تونس: دار سحنون للنشر والتوزيع، (بی تا).

سنجش انتقادی نحوه مواجهه مترجمان با تضمین های نحوی در قرآن رویا عرب علیدوستی و همکاران

۵- ابن عطیه، ابو محمد، *المحرر الوجیز*، تحقیق: مجموعة من الباحثين، ط ۱، قطر: وزارت اوقاف، (۱۴۳۶ق).

۶- ابن قتیبه الدینوری، *تأویل مشکل القرآن*، تحقیق: ابراهیم شمس الدین، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۳ق).

۷- ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، بیروت: دار بیروت، (۱۹۶۸م).

۸- ابن هشام، عبدالله، *معنی اللیب عن کتب الاعراب*، تحقیق: مازن المبارک، ط ۱، قم: نشر امیر، (۱۳۶۸ش).

۹- ابو حیان الأندلسی، محمد، *البحر المحیط*، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۲ق).

۱۰- ازهری، ابومنصور، *تهذیب اللغة*، محقق: هارون عبدالسلام، بی مک: بی نا، (بی تا).

۱۱- استاد ولی، حسین، «درباره تضمین و نقش آن در ترجمه قرآن کریم»، *بینات*، شماره ۸، صص ۱۴۳-۱۴۷، (۱۳۷۴ش).

۱۲- اصفهانی، ابومسلم محمد بن بحر، *جامع التأویل*، الطبعة الاولى، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، (۱۳۸۸ش).

۱۳- باقر، علیرضا، «تضمین بیانی و کاربرد بلاغی آن در قرآن»، *صحیفه مبین*، شماره ۴۱، صص ۲۲-۳۷، (۱۳۸۶ش).

۱۴- بیضاوی، ابوسعید، *انوار التنزیل*، تحقیق: محمد صبحی حسن خلاق، الطبعة الاولى، دمشق: دار الرشید، (۱۴۲۱ق).

۱۵- تفتازانی، سعدالدین، *مختصر المعانی*، الطبعة الثامنة، قم: دارالفکر، (۱۳۸۲ش).

۱۶- جوهری، اسماعیل، *الصحاح تاج اللغة*، تحقیق: احمد عطار، ط ۴، بیروت: دارالعلم الملايين، (۱۹۹۰م).

۱۷- حاجی خانی، علی و پاشائی، توحید، «روش شناسی ترجمه تضمین نحوی در برخی ترجمه های معاصر»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۳۰، صص ۱۳۵-۱۵۴، (۱۳۹۴ش).

۱۸- حسن، عباس، *النحو الوافی*، چاپ سوم، قم: ناصر خسرو، (بی تا).

- ۱۹- حمیم، سلیمان، فرهنگ عبری-فارسی، اسرائیل: بی نا، (۱۳۴۴ش).
- ۲۰- حلبی، سمین، درالمصون، تحقیق: احمد محمد الخراطه، الطبعة الاولى، بی مک: دارالقلم، (۱۴۰۶ق).
- ۲۱- دوست بامری، سهیلا و خاکپور، «نقش تضمین در ترجمه و تفسیر قرآن کریم»، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی قم، (۱۳۹۳ش).
- http://www.civilica.com/Paper-ICCRT01-ICCRT01_0549.html
- ۲۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ قرآن، الطبعة الثانية، تهران: مرتضوی، (۱۳۷۶ش).
- ۲۳- رمانی، ابوالحسن، النکت فی إعجاز القرآن، ترجمه: منصور پهلوان، تهران: انتشارات نبأ، (۱۳۸۲ش).
- ۲۴- زاهدی فر، سیفعلی و موسوی شجری، آمنه، «کارکرد تضمین افعال در تفسیر آیات قرآن کریم با تأکید بر آراء ابن عاشور»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری، ش ۲۶، صص ۹۹-۱۱۶، (۱۳۹۵ش).
- ۲۵- زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل، بیروت: دارالجیل، (۱۴۰۸ق).
- ۲۶- زمخشری، جارالله، اساس البلاغه، تحقیق: محمود عبدالرحیم، بی مک: سازمان تبلیغات اسلامی، (بی تا).
- ۲۷- -----، الکشاف، تحقیق: خلیل مأمون شیخا، الطبعة الاولى، بیروت: دارالمعرفة، (۱۴۲۳ق).
- ۲۸- شریف مرتضی، تنزیه الأنبياء، مصحح: فاطمه قاضی، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، (۱۳۸۰ش).
- ۲۹- سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، چاپ ۴، تهران: انتشارات امیر کبیر، (۱۳۸۲ش).
- ۳۰- صبان، محمد، حاشیه الصبان علی شرح الاشمونی، محقق: عبدالحمید هنداوای، بیروت: المكتبة العصرية، (بی تا).

سنجش انتقادی نحوه مواجهه مترجمان با تضمین های نحوی در قرآن رویا عرب علی دوستی و همکاران

۳۱- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، الطبعة الخامسة، قم: جامعه مدرسين، (۱۴۱۷ق).

۳۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تحقیق: حامد القدوی الاردستاني، الطبعة الاولى، قم: المكتبة المرتضوية، (۱۴۳۱ق).

۳۳- عکبری، ابوالقاء، املاء ما من به الرحمن، تحقیق: عوض ابراهيم عطوه، الطبعة الثانية، تهران: مكتبة الصادق للطبوعات، (۱۳۶۱ش).

۳۴- عوض، سامی و مطره جی، یاسر محمد، «أثر تعدد الآراء النحوية في تفسير الآيات القرآنية»، جامعة تشرين للدراسات والبحوث العلمية- سلسلة الآداب والعلوم الإنسانية، العدد ۱، ص ۶۳- ۸۶، (۲۰۰۷م).

۳۵- فتحی زیدان، عبد الجبار، «التضمين في القرآن الكريم قراءة جديدة ودراسة تطبيقية»، ابحاث كلية التربية الأساسية، العدد ۴، صص ۲۶۳- ۳۰۴، (۲۰۱۲م).

۳۶- رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب، تحقیق: سید عمران، القاهرة: دار الحديث، (۱۴۳۳ق).

۳۷- فراهیدی، خلیل، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی، الطبعة الثانية، بی مک: دارالهجرة، (۱۴۱۰ق).

۳۸- لطیفی، عمر، «التضمين أو نيابة حرف مكان آخر»، مجلة الزهر، العدد ۲۱۸، صص ۴۰۵- ۴۱۰، (۱۳۸۲ق).

۳۹- مستفید، حمیدرضا، اجزاء ۲۶ تا ۳۰ قرآن کریم، چاپ اول، قم: مرکز طبع و نشر قرآن، (۱۳۹۰ش).

۴۰- النيسابوري الحيري، اسماعيل، وجوه القرآن، تحقیق: فضل الرحمن الافغاني، بی مک: جامعة ام القراء، (۱۴۰۴ق).

عبری

۴۱- מעדידה מאירדה להצליח בעברית, ישראל: בי נא, (۲۰۰۷م).

۴۲- נמר (neme□) (نمر)، اسعد (اسعد)، تרגوم מובני הקוראן המפואר לעברית المدينة النبوية: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، (۱۴۴۰ق).

۴۳- עדוי (jdva□) (عدوی)، סובחי עלוי (صبحی علی)، הקוראן בלשון אחר, © כל הזכויות שמורות מרכז "בינאת", (۲۰۱۵م).

دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث _____ دوره ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸

۴۴- روبین (njvb□) (روبی—ین)، اوری (اوری)، הקוראן، ישראל: אוהיברסיטת תל אביב، ההוצאה לאור، (۲۰۰۵م).

۴۵- ریبلین (njulj□) (ری—ولین)، یوسف (یوسف)، אלקראן، © מוגש ברשות פרסום פרטי מהדורת מקור: דויר، (۱۹۸۷م).

۴۶- רקندورف (f□ekendo□) (رکند—دورف)، הרמן (هرم—ان)، הקוראן او המקרא، <https://benyehuda.org/reck>، ۱۳۹۸/۴/۱۷.

۴۷- شوشن. אבן, המלון הקדש, kiryalh Stepher, 1979, copyright .

۴۸- گروهی از مترجمین، הקוראן، چاپ اول، دهلی نو: GoodWord Books، (۲۰۱۹م).

انگلیسی

49- Modern Hebrew, ©1991,1994,2005 Lewis Glinert.